

نَهْضَتِ عَاشُورَا وَ عَقْلَانِیْتِ دِیْنِی وَ سِیَاسِی مَآ

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۵

تاریخ تأیید: ۹۵/۸/۴

قدرت الله قربانی *



لازمه عقلانیت دینی و سیاسی ما در پاسداشت نهضت عاشورا، بازشناسی و تفکیک نقش سه متغیر مهم اهداف، روش‌ها و ابزارها در این نهضت است. در این زمینه ویژگی‌هایی چون کلیت، ثبات، جهان‌شمولی، تقدس، مطابقت با فطرت بشری و نصوص دینی و نیز پذیرش حداکثری اهداف نهضت عاشورا، جایگاه آن را در خصوص روش‌ها و ابزارها محوری‌تر می‌کند و حتی ماهیت و نقش آنها را تنها در پرتو اهداف معنادار می‌سازد. براین اساس، امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان مهم‌ترین هدف دینی و سیاسی و دیگر اهداف نهضت عاشورا، ماهیت و نحوه کارکرد روش‌هایی چون عزاداری و ابزارهایی چون حسینیه‌ها و تکایا را تعیین می‌کنند؛ زیرا روش‌ها و ابزارها تنها در خدمت اهداف ارزشمندند. ضمن اینکه توجه به رابطه طولی سه متغیر شناخت، محبت و پیروی از امامان، به‌ویژه امام حسین علیه السلام در الگوگیری دینی و سیاسی از نهضت عاشورا اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا ما را از افراط در عاطفه‌گرایی به‌دور می‌دارد و بر اهمیت عقلانیت دینی و سیاسی مان می‌افزاید. نهایت اینکه، توجه به نقش هدایتگری دینی پیشوایان معصوم علیهم السلام، که امر به معروف از آن سرچشمه می‌گیرد، مهم‌تر از تمرکز بر طلب حاجت‌های دنیوی و اخروی از آنهاست. پس عقلانیت دینی و سیاسی ما ایجاب می‌کند هدف از امامت و نهضت عاشورا را دنبال و از آن پیروی کنیم و در این راه تنها از روش‌ها و ابزارهایی بهره بریم که سودمند و اثرگذار باشند؛ زیرا روش‌ها و ابزارها، موقت و گذرا هستند و تقدس بر نمی‌دارند.

کلیدواژه‌گان: عقلانیت دین، نهضت عاشورا، امام حسین علیه السلام، سیاست.

۱. مقدمه

امروزه پرسش از عقلانیت دینی و سیاسی ما مسلمانان به طور عام و شیعیان به طور خاص، پرسش از چگونگی شناخت ابعاد دینی و سیاسی نهضت عاشورا و چگونگی حفظ این نهضت و بهره‌گیری از آن در همه ابعاد زندگی مادی و معنوی است. در واقع گذشت حدود چهارده قرن از واقعه عاشورا و بسط تاریخی آن، ارائه تقریرها و گزارش‌های متنوع از آن، ظهور شرح‌ها و تفسیرهای متکثر از آن و نفوذ انواع تحریف‌های لفظی و محتوایی در گزارش و بسط تاریخی این واقعه، امروزه رسالت اندیشمندان متعهد دینی را به بازاندیشی در نهضت عاشورا برمی‌انگیزد. این انگیزه باید معطوف به شناخت دوباره خود پدیده عاشورا، بررسی نحوه نگرش امامان معصوم علیهم‌السلام به آن، چگونگی تداوم تاریخی آن طی قرون گذشته و به‌ویژه بایسته‌های حفظ و تداوم آن در شرایط دینی و سیاسی زمانه کنونی باشد. در این زمینه، تحریف لفظی و معنوی نهضت عاشورا از سوی توده ناآگاه و مردم عاطفی، وظیفه آگاهان به ماهیت نهضت عاشورا را دوچندان می‌سازد؛ زیرا توده‌های جاهل با دوختن لباس عاطفه و احساس به‌طور افراطی، تقلیل معنویت عاشورا در حد معیشت روزانه و تلاش برای برآوردن همه حاجت‌های مادی و نیمه‌مادی خود از امام حسین علیه‌السلام و دیگر شهیدان کربلا، از آنها چهره‌ای بدهکار ساخته‌اند که گویا شهادتشان صرفاً برای تأمین نیازهای دنیوی و اخروی ما بوده است و باید همه حاجت‌های خود را از ایشان بخواهیم و آنها انسان‌هایی موظف به تأمین نیازمندی‌های ما هستند. در مقابل، کج‌اندیشانی که با تفسیر فوق بشری از واقعه عاشورا و ناممکن ساختن الگوسازی دینی و سیاسی از آن، بعد اجتماعی و به‌ویژه سیاسی آن را مسخ می‌کنند و همه اهداف این نهضت غنی را به بوته فراموشی می‌سپارند. در واقع، همواره مهم‌ترین چالش دینی و سیاسی، تحریف تاریخی و ظاهری در نحوه روایت و تحریف باطنی در نحوه فهم و تفسیر سیاسی نهضت عاشورا بوده است که از سوی برخی از شیعیان و پیروان امام حسین علیه‌السلام درباره این واقعه روی داده است. این خطر مهم که هنوز نیز ادامه دارد و با تلقی‌های خرافی مردم و سوءاستفاده‌های معاویه‌های روزگار نیز همراه شده است، رسالت اندیشمندان شیعه را سنگین‌تر و ارزشمندتر می‌کند.

در این تحقیق با نظر به این مشکل، می‌کوشیم این پرسش را بررسی کنیم که: لازمه عقلانیت دینی، سیاسی و واقع‌بینانه اندیشمندان شیعی و مسلمان در پاسداشت اهداف این نهضت عظیم اسلامی و بشری چیست؟ در پاسخ به این پرسش، در اینجا، به‌رغم همه



تحقیقات و تلاش‌های ارزشمندی که اندیشمندان ما انجام داده‌اند، از رویکردی به نسبت جدید بر بازشناسی و تفکیک بنیادی سه متغیر اساسی هدف، روش و ابزار یا وسیله، در روایت، فهم، حفظ، انتقال و عمل به نهضت عاشورا تأکید می‌کنیم.

در واقع مدعای ما این است که یکی از علل تاریخی گسترش تحریفات لفظی و محتوایی در ابعاد دینی و سیاسی نهضت عاشورا، به‌ویژه از ناحیه علاقه‌مندان اهل بیت، بی‌توجهی به تفاوت‌های نقش‌های سه عامل هدف، روش و ابزار در این نهضت و کارکردهای متفاوت آنها بوده است. به عبارت دیگر، نهضت عاشورا فی‌نفسه اهداف دینی و سیاسی دارد که باید با استفاده از روش‌ها و به‌کارگیری ابزارهایی در طول تاریخ حفظ و بسط داده می‌شد؛ درحالی‌که خلط این سه متغیر و اشتباه برخی پیروان در فهم تفاوت‌های آنها و نحوه کارکردشان، سبب شده گاه روش‌ها یا ابزارها جای اهداف عاشورا را بگیرند و شیعیان از اهداف دینی و سیاسی که منظور اصلی این نهضت بوده است، غافل شوند. بنابراین، در اینجا مقدم بر ورود به متن واقعه و نهضت عاشورا، ابتدا به‌طور کلی ماهیت، ویژگی‌ها و کارکردهای اهداف، روش‌ها و ابزارها یا وسیله‌ها را در نهضت‌های دینی و سیاسی، به‌طور عام، تبیین می‌کنیم تا امکان بازشناسی جایگاه آنها در نهضت عاشورا و نقش و نتایج به‌کارگیری اشتباهشان آشکار شود.

۲. ضرورت بازشناسی ویژگی‌ها و کارکردهای دینی و سیاسی اهداف، روش و

ابزارها

چنان‌که گفتیم، در هر نهضت دینی، اجتماعی و سیاسی همچون عاشورا، اهدافی نهفته است که هم در زمان جریان آن نهضت و هم پس از آن، مانند چهارده قرن پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام و یاران باوفایش، باید با استفاده از روش‌ها و به‌کارگیری ابزارها و وسایلی مورد حفاظت و پاسداری و بهره‌برداری قرار گیرند. اهمیت این تفکیک در آن است که این مسئله در همه نهضت‌های مهم بشری، از جمله به‌طور خاص در نهضت عاشورا قابل بررسی است و نقش به‌سزایی در فهم درست واقعه عاشورا و پرهیز از انحراف در روایت، فهم، تفسیر و به‌کارگیری آموزه‌های دینی و سیاسی آن دارد.

برای اینکه بحث ما از تفاوت ماهیت، نقش و کارکردهای اهداف، روش‌ها و ابزارها اندکی روشنی بیشتری یابد، برای نمونه در نهضت عاشورا می‌توان موارد دینی و سیاسی‌ای چون امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به آزادی و دوری از ستم را از «اهداف» آن برشمرد. نیز نوشته شدن کتاب‌های مقتل، برگزاری عزاداری عاشورا، ساختن





فیلم‌ها و سریال‌ها و نگاشتن انواع کتاب‌های پژوهشی و سرودن اشعار را از «روش‌ها»ی حفظ عاشورا دانست. همچنین ساختن تکایا، حسینیه‌ها، نذر دادن، استفاده از زنجیر، طبل، شیپور و اعمال شبیه آن را «ابزار»های به‌کار گرفته‌شده ملاحظه کرد. در اینجا ابتدا اوصاف کلی آنها را بیان می‌کنیم و سپس به شناسایی ویژگی‌های خاصشان در نهضت عاشورا می‌پردازیم.

الف) اهداف

شناخت اهداف شکل‌گیری یا اهدافی که یک نهضت دینی یا سیاسی برای تحقق آن برپا می‌شود، در درجه اول از اهمیت قرار دارد؛ زیرا هویت نهضت‌های دینی، سیاسی و اجتماعی در پرتو اهدافی که مدنظر دارند تعریف می‌شوند. از سوی دیگر، اهمیت اهداف در این است که دو متغیر بعدی، یعنی روش‌ها و ابزارها، تنها به‌واسطه اهداف، دارای معنا، کارکرد و ارزش‌اند و بدون اهداف تهی هستند. براین اساس، شناخت ماهیت و ویژگی‌های کلی اهداف نهضت‌های دینی و سیاسی، مانند عاشورا، اهمیت فراوانی دارد و ما را در بازشناسی آن نهضت‌ها فراوان یاری خواهند کرد. در این زمینه ویژگی‌هایی چون کلیت، اطلاق، ثبات و تغییرناپذیری، تقدس ذاتی، جهان‌شمولی، عقلانیت، مطابقت با نصوص دینی، مطابقت با فطرت بشری و امکان پذیرش همگانی، از ویژگی‌های کلی اهداف نهضت‌های دینی، مانند نهضت عاشوراست که در ادامه به توضیح مختصر آن می‌پردازیم.

یک - اطلاق، جهان‌شمولی و کلیت

منظور از اطلاق و کلیت اهداف نهضت‌های دینی آن است که هدف‌های موردنظر آن نهضت‌ها، جزئی، موقتی و محدود به زمان یا مکان خاصی نیستند، بلکه هدف‌هایی هستند که برای همه بشر، همه زمان‌ها و همه مکان‌ها و مجموعه شرایط جغرافیایی، محیطی و انسانی مورد نیاز و قابل استفاده‌اند.

به عبارت دیگر، جهان‌شمولی مهم‌ترین ویژگی اهداف نهضت‌های دینی و سیاسی است که ریشه الهی دارند. برای مثال در نهضت عاشورا، اهداف دینی و سیاسی چون امر به معروف، نهی از منکر، دعوت به دوری از ذلت، آزادی‌طلبی، عدالت‌خواهی، محوریت کرامت انسانی و مانند آن، از اهداف کلی و جهان‌شمول این نهضت هستند که نه تنها به جغرافیای کوفه یا عراق آن زمان یا جهان اسلام محدود نیستند، بلکه متعلق به همه سرزمین‌های اسلامی و غیراسلامی و همه انسان‌های مسلمان، اعم از شیعه و اهل سنت و ملت‌های غیرمسلمان و نیز برای همه دوران‌ها هستند. به همین دلیل است که دعوت امام

حسین علیه السلام به چنین اهداف کلی و جهان‌شمولی همواره از سوی آزادی‌خواهان، عدالت‌طلبان، دوری‌کنندگان از ظلم و ذلت و انسان‌های حق‌طلب، بدون توجه به دین، مذهب، ملیت و نژاد آنها، پذیرفته می‌شود و مطلوب ایشان است. در واقع این ویژگی نهضت دینی و سیاسی اصیل سبب می‌شود امکان بهره‌مندی و الگوگیری دینی و سیاسی از آن از سوی همه انسان‌های حق‌طلب، عدالت‌جو و آزادی‌خواه فراهم شود. در این زمینه است که مهاتما گاندی رهبر استقلال هند، راه نجات ملت هند را در الگوگیری از نهضت عاشورای امام حسین علیه السلام می‌داند و می‌گوید: «اگر هندوستان بخواد پیروز شود، باید از زندگی امام حسین علیه السلام پیروی کند» (نک: نوایی، ۱۳۹۰، ص ۳۸۸).

دو - ثبات و تغییرناپذیری

ویژگی بسیار مهم دیگر اهداف نهضت‌های دینی و سیاسی، ثبات و تغییرناپذیری آنها در طول زمان و در مکان‌ها و جغرافیاهای گوناگون و ملت‌های متکثر است. به عبارت دیگر، اهداف جهان‌شمول سیاسی چون آزادی‌خواهی، عدالت‌طلبی، امر به معروف، نهی از منکر، حقیقت‌طلبی و دوری از ظلم و ذلت، هیچ‌گاه لباس مکان و زمان خاصی را بر تن نمی‌کنند، بلکه ورای مرزهای زمان و مکان و دارای ثبات همیشگی هستند. به همین دلیل است که دعوت امام حسین علیه السلام به آزادی و عدالت‌طلبی، همواره دعوتی زنده است و اجابت‌کنندگانی از همه ملت‌ها، ملیت‌ها و نگرش‌های فکری و سیاسی دارد و مهم‌تر اینکه، هیچ‌گاه گذشت زمان و تغییر نحوه معیشت و طرز تفکر مردم و پیشرفت‌های علمی و فناورانه، نتوانسته‌اند گرد کهنگی و پژمردگی بر این اهداف بپاشند، بلکه با گذشت حدود چهارده قرن از واقعه عاشورا و رشد عقلانی بشر، به‌ویژه انسان مسلمان و شیعه، هر روز افق‌های جدیدی از اهداف ازلی و ابدی این نهضت متعالی دینی و سیاسی آشکار می‌شود و تازگی آن را بیشتر هویدا می‌سازد.

سه - تقدس ذاتی

تقدس ذاتی به ویژگی‌های اهدافی گفته می‌شود که آن ویژگی‌ها از سوی همه ملت‌ها، نگرش‌ها و دیدگاه‌ها مورد احترام و ارزش‌گذاری شگرف هستند. در واقع اهداف دارای تقدس ذاتی، اهدافی جهان‌شمول‌اند که ثبات همیشگی دارند و بر اثر دگرگونی‌های مکانی و زمانی دچار تغییر نمی‌شوند و از سوی ملت‌های مختلف مطلوب به شمار می‌آیند. این اهداف ذاتاً و بدون هیچ ملاحظه دیگری برای همه بشر ارزشمند و مقدس‌اند.





در مقابل، می‌توان از اهداف نهضت‌های سیاسی نام برد که تقدس عرضی و موقتی دارند؛ مانند نهضت‌های ملی‌گرایی، عرب‌گرایی، نژادگرایی و مانند آنها که تنها برای ملت و زمان خاصی، نه همه ملت‌ها و نه همه زمان‌ها تقدس دارند و معمولاً پس از گذشت دورانی کوتاه، همان تقدس را نیز از دست می‌دهند و حتی ممکن است چنین اهدافی به ضدارزش تبدیل شوند. پس تقدس ذاتی، جهان‌شمولی و تغییرناپذیری اهداف نهضت‌های دینی و سیاسی، مانند نهضت عاشورا است که سبب می‌شود آن نهضت‌ها و اهداف آنها قلب‌های همه انسان‌های حق‌طلب و آزاده را به خود جذب کند. اقبال لاهوری در این باره می‌گوید: «هیچ نمونه‌ای از شجاعت بهتر از امام حسین به لحاظ فداکاری و تهورش در عالم نمی‌توان سراغ گرفت. به عقیده من، تمام مسلمین باید از این شهیدی که خود را در سرزمین کربلا قربانی کرد، سرمشق بگیرند و از او پیروی نمایند» (نک: همان، ص ۳۹۱).

در واقع تقدس چنین اهدافی، عامل درنوردیدن مرزهای زمان و مکان و تسخیر قلب‌های آزادی‌خواهان و موجب شخصیت یافتن آنها و ایجاد انگیزه حرکت و انقلاب در ایشان می‌شود. ضمن اینکه چنین تقدسی هیچ‌گاه از بین رفتنی نیست؛ چون مبتنی بر فطرت و سرشت پاک و الهی بشر طرح شده است.

چهار - مطابقت با نصوص دینی

از دیگر ویژگی‌های اساسی اهداف نهضت‌های دینی و سیاسی، انطباق آنها با آموزه‌ها و مبانی اساسی دین است؛ یعنی هدف ادیان الهی، تعالی روحی و معنوی انسان‌ها و نیل آنها به سعادت مادی و معنوی است. از این رو، برای تحقق این مسئله، آموزه‌ها و دستورهای کلی و جهان‌شمولی را معرفی می‌کنند که از جمله می‌توان ایمان به توحید و معاد، امر به معروف، نهی از منکر، آزادی‌طلبی، عدالت‌ورزی و مانند آن اشاره کرد و نهضت‌های دینی نیز دقیقاً در راستای تحقق همین اهداف متعالی دینی شکل می‌گیرند.

این واقعیتی است که نه تنها در نهضت‌های اصلاحی و سیاسی انبیای الهی که در نهضت بیدارگرانه امام حسین علیه السلام فراوان دیده می‌شود. برای نمونه، امر به معروف که یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های دینی و سیاسی اسلام است، از جمله مهم‌ترین اهداف سیاسی نهضت عاشورا از سوی سیدالشهداء معرفی می‌شود. معنای چنین معرفی‌ای آن است که چنین نهضتی، هدفی خارج از آموزه‌های اسلام را جست‌وجو نمی‌کند، بلکه دقیقاً همان اهداف موردنظر اسلام، محور نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام قرار می‌گیرد. در واقع نهضت‌های الهی مطابق دستورات نصوص دینی چون قرآن کریم، امر به معروف،

نهی از منکر و جهاد در راه خدا را هدف و برنامه اصلی خود قرار می‌دهند؛ همان‌گونه که آیات مکرر قرآن چنین وظیفه‌ای را برای آزادی‌خواهان حقیقت‌جو تعیین کرده‌اند (نک: توبه: ۱۱۲؛ سبا: ۴۶).

پنج - مطابقت با فطرت بشر

مطابقت با فطرت بشری نیز بدین معناست که همه انسان‌ها بدون نظر به دین، نژاد، ملیت و دیگر ویژگی‌های محیطی، ذاتاً چنین اهداف متعالی را تصدیق می‌کنند و حتی در طلب آن هستند. این ویژگی از آن نظر اهمیت دارد که فطرت پاک و سرشت الهی همه انسان‌ها، خواهان و آرزومند تحقق اهداف الهی و سیاسی مانند عدالت، آزادی، ظلم‌ستیزی، مظلوم‌دوستی، گسترش معروف‌ها و از بین رفتن منکرها هستند. ضمن اینکه چنین اهدافی حتی ورای ادیان نیز نزد انسان‌های بی‌دین هم طرفداران فراوانی دارد. براین اساس، امام حسین علیه السلام در روز عاشورا وقتی به سپاهیان دشمن می‌فرماید «اگر دین ندارید، آزادمرد باشید» (خوارزمی، ۱۳۶۷ق، ج ۲، ص ۳۳) دقیقاً به همین ویژگی اشاره و بر آن تأکید دارد؛ یعنی آزادگی مقدم بر دینی بودن، دارای منشأ انسانی و منطبق بر فطرت پاک بشری است که البته ادیان الهی نیز بر این اهداف فطری بشری مهر تأیید نهاده، آموزه‌های فراوانی را در تعالی آنها معرفی کرده‌اند.

شش - عقلانیت

عقلانیت نهضت‌های دینی از مهم‌ترین ویژگی‌های اهداف چنین نهضت‌هایی است. منظور از عقلانیت، شکل‌های گوناگون آن، همچون عقلانیت‌های نظری، عملی، ابزاری، ارزش‌شناختی و وظیفه‌شناختی است. در زبان متعارف جامعه علمی می‌توان عقلانیت را به پذیرش تبعیت از استدلال منطقی تعریف کرد؛ یعنی پذیرش هر استدلالی که با قواعد منطقی مطابق باشد، می‌تواند پذیرشی عقلانی و دارای عقلانیت خاص خود شمرده شود. براین اساس، برخی از فیلسوفان، عقلانیت را با استدلالی بودن یکی می‌گیرند و برخی دیگر آن را در جایی می‌پذیرند که ادله مخالفی در برابر حکم یا مفهوم موردنظر وجود نداشته باشد. در مجموع به نظر می‌رسد عقلانیت، با نظر به همه اقسام آن، به باورها، اعمال و رفتارهایی تعلق می‌گیرد که بر اصول کلی منطقی و عقلانی منطبق بوده، انسجام لازم و نتایج واقعی مورد انتظار را داشته باشند. براین اساس، ویژگی‌های عقلانیت چنین است:



۱. مبتنی بر برهان و قیاس منطقی بودن؛
۲. وجود انسجام درونی و عدم تناقض میان باورها؛
۳. پذیرش از سوی اکثریت مردم، به‌ویژه عقلای قوم؛
۴. مطابقت بیشتر با شرایط و مقتضیات زندگی عینی مردم و اهداف زندگی آنها؛
۵. داشتن نقش مؤثر در بهبود زندگی دنیوی و امید به سعادت اخروی مردم؛
۶. مطابقت بیشتر با اصول بدیهی منطقی و فهم عرفی مردم؛
۷. سادگی و امکان فهم و تبیین از سوی تعداد بیشتری از انسان‌ها.

در ادبیات فلسفه سیاسی، اقسام گوناگونی مانند نظری، عملی، ارزش‌شناختی، ابزاری و وظیفه‌شناختی برای عقلانیت لحاظ می‌شود (نک: صادقی، ۱۳۸۶، ص ۴۴-۶۵؛ ملکیان، ۱۳۸۱، ص ۴۳۸-۴۳۹). با نظر به تنوع گونه‌های عقلانیت، می‌توان گفت نهضت‌های دینی اصیل، مانند نهضت عاشورا، دارای اهدافی با عقلانیت‌های نظری، عملی، ارزش‌شناختی، وظیفه‌شناختی و ابزاری لازم هستند. به عبارت دیگر، چنین نهضت‌هایی اولاً، به‌لحاظ نظری، دارای اهداف منطقی، بدیهی و مطابق با فطرت بشرند. ثانیاً، به‌لحاظ عملی راهکارهای منطقی تحقق اهداف سیاسی خود را در طول همه زمان‌ها و شرایط مختلف طراحی می‌کنند و مبتنی بر ارزش‌های انسانی هستند. ثالثاً، از نظر عقلانیت ابزاری، ابزارهای لازم عینیت‌بخشی اهداف سیاسی خود را در نظر گرفته‌اند. در واقع جهان‌شمولی، کلیت، منشأ الهی داشتن و مطابقت با فطرت بشر، به‌طور طبیعی ضامن عقلانیت اهداف نهضت‌های دینی مانند نهضت عاشورا است و به موجب همین عقلانیت است که اهداف دینی و سیاسی چنین نهضت‌هایی، مرزهای زمان و مکان و قرون و ملت‌ها را درنوردیده و قلب همه انسان‌های آزادی‌خواه را متوجه خود ساخته است و می‌سازد.

اکنون پس از بیان مختصر اهداف متعالی نهضت‌های دینی مانند نهضت عاشورا، می‌توان مدعی شد که بین این اهداف ارتباط منطقی وجود دارد. در واقع نهضت‌های دینی و سیاسی، نهضت‌هایی هستند که به‌طور طبیعی اهدافی را جست‌وجو می‌کنند که آن اهداف دارای ویژگی‌های جهان‌شمولی، کلیت، تقدس، ثبات، عقلانیت، مطابقت با فطرت بشر و نصوص دینی‌اند و به همین دلایل می‌توانند به‌مثابه نهضت‌هایی برای همه ملت‌ها و همه زمان‌ها و مکان‌ها مورد استفاده قرار گیرند.

خلاصه آنکه، اگر بتوان نهضتی را یافت که دارای اهدافی کلی، جهان‌شمول، ذاتاً مقدس و متعالی، عقلانی و مطابق با فطرت پاک و الهی بشر باشد، چنین نهضتی به‌یقین



می‌تواند از سوی گروه‌های گسترده‌ای از مردم در همه زمان‌ها، مکان‌ها و در شرایط مختلف دینی و سیاسی پذیرفته شود. در واقع وجود این ویژگی‌های متعالی در نهضت‌های دینی و سیاسی مانند عاشورا، آنها را نهضتی برای همه مردم از همه طیف‌های فکری و از همه گرایش‌های دینی و غیردینی قرار می‌دهد که برای همه ایشان جذابیت خاص خود را داراست. بر همین اساس است که پس از گذشت حدود چهارده قرن، نهضت عاشورا و اهداف سیاسی‌ای که ترسیم کرده، برای همه صنوف مردم، ارزش و جایگاه والایی دارد و انسان‌های آگاهی هستند که در راه تحقق این اهداف متعالی از هیچ‌گونه تلاشی فروگذار نمی‌کنند (مطهری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۰-۴۷).

ب) روش‌ها

در آغاز بحث گفتیم که لازمه عقلانیت دینی و سیاسی ما، بازشناسی اهداف، روش‌ها و ابزارهای مربوط به نهضت‌های دینی و سیاسی مانند عاشورا است تا ابزارها و روش‌ها برای تحقق اهداف و آرمان‌های سیاسی عاشورایی به بهترین شیوه به خدمت گرفته شوند. ضمن اینکه این بازشناسی، موجب پرهیز از خلط آنها یا استفاده از یکی به جای دیگری می‌شود. براین اساس، در اینجا به نقش روش‌ها توجه می‌کنیم.

روش‌ها به لحاظ سیاسی، اجتماعی و منطقی، به مجموعه راهکارهای مادی، معنوی، علمی، اجتماعی، سیاسی، هنری، ادبی و مانند آن گفته می‌شود که برای تحقق اهداف و آرمان‌ها یا حفظ و گسترش آنها به کار گرفته می‌شوند. برای نمونه، در نهضت عاشورا، مجموعه کارهای سیاسی که امام حسین علیه السلام و یاران او برای تحقق اهداف نهضت انجام دادند، به مثابه روش‌هایی تلقی می‌شود که در خدمت آرمان‌های عاشورایی بوده‌اند. بدین ترتیب، تصمیم امام به ترک مدینه، رفتن از راه اصلی به مکه، نوشتن وصیت‌نامه به برادرش محمد حنفیه، بردن اهل بیت به همراه خود، دعوت از مردم زمانه برای پیوستن به او، اقامت در مکه و ارتباط با دیگر مسلمانان، حرکت از مکه به سمت کوفه، فرستادن مسلم برای آگاهی از وضعیت مردم کوفه، سخنرانی در برابر سپاه حر و سپاه عمر بن سعد در روز عاشورا و موارد دیگر، همگی روش‌های سیاسی به کار رفته در خدمت اهداف نهضت عاشورا بوده‌اند که ممکن بود هر یک از این روش‌های سیاسی بنا به مقتضیات زمان تغییر کند و طور دیگر شکل یابد. همین روش‌ها پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش از سوی حضرت زینب و امام سجاد علیه السلام از راه ارائه خطبه‌ها و سخنان روشنگرانه و به دست امامان معصوم در زنده داشتن واقعه عاشورا و مثلاً تأکید ایشان بر یادآوری این



رویداد به کار گرفته می‌شد.

بنابراین، با نظر به مجموعه تحولات و بسط تاریخی که نهضت عاشورا از سرگذرانده است و گسترش آن به بیشتر عرصه‌های علمی، سیاسی، دینی، هنری و ادبی جهان تشیع، امروز مواردی چون نوشتن کتاب‌های مقتل، سرودن اشعار و مرثیه‌ها، انواع سخنرانی‌ها و مداحی‌ها، نوحه‌خوانی‌ها، زنجیرزنی‌ها، شبیه‌خوانی‌ها، تعزیه‌خوانی‌ها، ساخت انواع فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، ساخت تئاترها، انواع نقاشی‌ها، انتشار کتب و آثار پژوهشی در قالب مقالات، داستان‌ها و نمایش‌نامه‌ها و موارد شبیه اینها، همگی همان نقش روش‌ها را در تحقق اهداف نهضت دینی و سیاسی یا حفظ و بسط آن برعهده دارند.

مهم‌ترین ویژگی روش‌های یادشده، تفاوت نقش آنها با توجه به تفاوت زمان‌ها و مکان‌ها و با نظر به اندیشه‌های مردمی است که از این روش‌ها بهره می‌برند. برای مثال، روش‌های سیاسی امام حسین علیه السلام برای تحقق اهداف نهضت عاشورا، متفاوت از روش‌های حضرت زینب و امام زین العابدین علیهما السلام و روش‌های آنها نیز متفاوت از روش‌های امامان بعدی علیهم السلام و روش‌های آنها هم متفاوت از روش‌های علمای شیعه در قرون بعدی بود. ضمن اینکه، همه این روش‌های سیاسی متفاوت در شرایط زمانی و مکانی مختلف، ناظر به حفظ، گسترش و تحقق اهداف خاص نهضت عاشوراست؛ یعنی تفاوت روش‌ها در عین وحدت در اهداف و آرمان‌ها صورت می‌پذیرفت.

از این تفاوت در ماهیت روش‌ها و اهداف به نتایج خوبی می‌توان رسید که عبارت‌اند از: برخلاف اهداف، روش‌های سیاسی یک نهضت دینی، مانند عاشورا، کلی، جهان‌شمول، ثابت و تغییرناپذیر نیستند، بلکه با تفاوت زمان‌ها و مکان‌ها و تغییر نگرش‌ها و روحیات مردم، روش‌ها نیز تغییر می‌کنند. روش‌ها تقدس ذاتی ندارند، بلکه اگر هم تقدس عرضی موقتی را زمانی به دست می‌آورند، تنها در صورتی است که دارای نقش مؤثری در تحقق، حفظ و بسط اهداف متعالی نهضت‌های دینی و سیاسی مانند عاشورا باشند. روش‌ها عمدتاً از عقلانیت عملی و ابزاری سود می‌برند که چنین عقلانیتی سیال و متغیر است و در شرایط مختلف فکری و معیشتی انسان‌ها، آنها نیز دچار تغییر و صیرورت می‌شوند. در نهایت اینکه، روش‌ها همگانی نیستند و هیچ‌گاه اقبال همه طیف‌های فکری و تمامی قشرهای مردم را کسب نمی‌کنند، بلکه اقبال به بهترین روش‌ها نیز نسبی و در حال تغییر است. در واقع باید توجه داشت نحوه اندیشه و معیشت جوامع گوناگون در دوره‌های مختلف است که ماهیت روش‌های به کار رفته از سوی آنها را، در حفظ و بسط اهداف



نهضت‌هایی که بدان معتقدند، نشان می‌دهد.

براین اساس، می‌بینیم در طول چهارده قرن گذشته شیعیان بر اساس ماهیت جوامعی که در آن زندگی می‌کردند و مقتضیات و شرایط فکری، محیطی و زمانی خودشان و دیگر الزامات حیات سیاسی و اجتماعی، از روش‌های متفاوتی برای بیان و حفظ اهداف نهضت عاشورا استفاده می‌کردند. برای مثال، امروزه ما با هنرهای نمایشی مانند شبیه‌خوانی و زنجیرزنی مواجهیم که در قرون گذشته سابقه چندانی نداشت و از دوره صفویه و به‌ویژه عصر قاجار به‌عنوان روش‌های مهمی در ترویج شعایر عاشورایی به‌کار گرفته می‌شوند (رهبری، ۱۳۸۸، ص ۲۷۳-۲۸۴) یا با توسعه انتشار آثار متعدد ادبی، شعری، پژوهشی و تحلیلی درباره عاشورا مواجه هستیم که در اعصار گذشته به این میزان وجود نداشت.

بنابراین، تنوع به‌کارگیری روش‌های گوناگون، معلول تنوع شکل‌های زندگی و نوع انسان‌هایی است که با ذهنیت‌های مختلف به اهداف واحد نهضت دینی و سیاسی چون عاشورا می‌نگریستند. پس روش‌ها هیچ‌گونه اصلاتی از خود ندارند، بلکه اعتبار و ارزش موقتی آنها به میزان نقش و ثمربخشی‌شان در تحقق، حفظ و بسط اهداف و آرمان‌های نهضت دینی مانند عاشورا وابسته است.

ج) ابزارها

ابزارها عمدتاً به مجموعه اشیای مادی و نیمه‌مادی گفته می‌شود که به شیوه‌های گوناگونی در روش‌های دینی و سیاسی یادشده به‌کار گرفته می‌شوند. به عبارت دیگر، ابزارها نقش کمکی و تسهیل‌کننده را در روش‌ها برعهده دارند. براین اساس، مواردی چون ساختن مکان‌هایی برای عزاداری مانند تکایا و حسینیه‌ها، نذر دادن، استفاده از ابزارهای عزاداری مانند علم، کتل، شیپور، دهل، طبل، سنج، زنجیر و تمامی دیگر وسایل به‌کاررفته در ترویج شعایر و آموزه‌های نهضت‌های دینی و سیاسی، می‌توانند نقش ابزار را داشته باشند؛ زیرا آنها در خدمت روش‌های دینی و این دو، یعنی روش‌ها و ابزارها، در خدمت اهداف هستند.

با این وصف، ابزارها نیز به ماهیت روش‌ها وابستگی کامل دارند و هر روزه با تکامل و تغییر روش‌های پاسداشت نهضت‌های دینی و سیاسی مانند عاشورا، به‌طور طبیعی ابزارها نیز دچار تغییر و تکامل و جابه‌جایی می‌شوند. بنابراین، هیچ‌یک از ویژگی‌های اهداف یک نهضت دینی و سیاسی، مانند کلیت، جهان‌شمولی، قداست ذاتی، عقلانی بودن، مطابقت با نصوص دینی، ثبات و همگانی بودن، نه‌تنها در ابزارها وجود ندارد و اساساً ضرورتی ندارد





تا ابزارها چنین ویژگی‌هایی داشته باشند، بلکه در مقابل، به واسطه نقش واسطه‌ای ابزارها و وابستگی کامل آنها به طرز فکر و معیشت مردم، تغییرپذیری، تکامل، عدم تقدس و جزئی، محدود و محلی بودن، از ویژگی‌های ذاتی آنهاست. به همین دلیل، ابزارهای عزاداری و گرامی‌داشت نهضت‌های دینی و سیاسی مانند عاشورا، هیچ‌گونه اعتبار و تقدس دینی ندارند؛ زیرا آنها صرفاً ابزارند و برای هرگونه قصد و هدفی قابل استفاده هستند و اگر هم برخی افراد نوعی قداست برای آنها قائل شوند، باید توجه داشت که این نوعی قداست عَرَضی و سلیقه‌ای است که ممکن است صدمات آن بیشتر از مزایایش باشد.

۳. تحلیل تطبیقی اهداف، روش‌ها و ابزارها

مطالب بیان شده، زمینه را برای بازشناسی ماهیت، اعتبار، نقش و کارکردهای سه متغیر دخیل در پاسداشت نهضت‌های دینی و سیاسی مانند عاشورا را نشان می‌دهد. با ملاحظه ویژگی‌های کلیت، جهان‌شمولی، تقدس، عقلانیت، ثبات، مطابقت با نصوص دینی و مطابقت با فطرت بشر، می‌توان نسبت سه متغیر اهداف، روش‌ها و ابزارها را به‌طور تطبیقی با این ویژگی‌های مهم سنجید تا شباهت و به‌ویژه تفاوت‌های این متغیرها از ناحیه ویژگی‌ها، موجب بازشناسی سیاسی درست ماهیت و اجتناب از خلط آنها شود. در این زمینه، جزئی و محلی بودن ابزارها بیشتر از روش‌هاست. به‌لحاظ قداست، اهداف نهضت‌های دینی و سیاسی، همواره مقدس‌اند؛ درحالی‌که روش‌ها و ابزارها معمولاً تقدسی به همراه ندارند؛ زیرا روش‌ها همان راهکارهای سیاسی تحقق، حفظ و ترویج اهداف، و ابزارها تنها اشیای به‌کاررفته بدین منظورند. البته برخی برای روش‌ها، مانند عزاداری‌ها یا ابزارهایی چون زنجیرها، علم‌ها و کتل‌ها، نوعی احترام و تقدس قائل‌اند که ممکن است موجب وهن اهداف نهضت دینی شود.

به‌لحاظ عقلانیت گفتیم که نهضت‌های دینی دارای عقلانیت نظری و عملی کافی هستند؛ زیرا بر فطرت پاک و الهی انسان مبتنی هستند، ولی برای روش‌ها و ابزارها تنها می‌توان عقلانیت وسیله‌ای یا عقلانیت عملی و ابزاری را در نظر گرفت که آنها نیز با تغییر و تکامل ذهنیات، الزامات، نیازها و معیشت مردم، دچار تغییر و تکامل می‌شوند. اهداف نهضت‌های دینی و سیاسی مانند عاشورا، ثبات تاریخی دارند و با گذشت زمان، اهدافشان دچار کهنگی و فرسودگی نمی‌شود، ولی روش‌ها و ابزارها همواره با تغییر و تحولات جوامع در حال تغییر و دگرگونی‌اند و چهره‌های متفاوتی به خود می‌گیرند. در خصوص مطابقت با نصوص دینی می‌توان گفت اهداف نهضت‌های دینی - که عاشورا نمونه

برجسته آن است - دارای منشأ دینی و مطابق با آموزه‌های قرآن هستند، ولی در دین به روش یا ابزار خاصی برای پاسداشت این اهداف دستور داده نشده است، بلکه مبتنی بر شرایط سیاسی و اجتماعی زندگی انسان‌ها، آنها قادرند از هر روش و ابزار مناسب و عقلانی بهره‌مند شوند. در خصوص مطابقت با فطرت بشر نیز باید یادآور شد که اهداف نهضت‌های دینی و سیاسی معمولاً مطابق فطرت پاک و الهی انسان‌هاست، ولی روش‌ها و ابزارها مطابق با مقتضیات، الزامات و شرایط معیشت مردم هستند.

با این مقایسه در نهایت می‌توان گفت آنچه به نهضت الهی و سیاسی ارزش، اعتبار و تقدس می‌دهد، طوری که انسان‌ها در راه آن جان‌بازی می‌کنند، همان اهداف آن نهضت است، نه روش‌ها و ابزارهای به‌کاررفته در آن. پس در نهضت‌های دینی تنها اهداف تقدس و اصالت دارند و برای روش‌ها و ابزارها هیچ‌گونه اصالت و تقدسی وجود ندارد، بلکه اعتبار و ارزش موقتی آنها بسته به میزان نقش و ثمربخشی‌شان در تحقق اهداف و حفظ و گسترش آنهاست.

۴. ابعاد دینی و سیاسی اهداف، روش‌ها و ابزارها در نهضت عاشورا

مطالب بیان‌شده درباره بازشناسی تفاوت‌های ماهیت، کارکرد و ویژگی‌های دینی و سیاسی اهداف، روش‌ها و ابزارهای مربوط به نهضت‌هایی مانند عاشورا، در اینجا این امکان را فراهم می‌سازد تا ماهیت، ویژگی و کارکردهای این سه متغیر را به‌طور مشخص در خصوص نهضت عاشورا از هم بازشناسیم تا ضمن شناخت ارزش هر یک، خطر خلط آنها را نیز بیشتر بازگو نماییم.

الف) اهداف دینی و سیاسی نهضت عاشورا

همان‌طور که گفتیم، محور و اساس هر نهضت دینی را اهداف و آرمان‌های دینی و سیاسی آن تشکیل می‌دهند که روش‌ها و ابزارهای مربوط به آن نهضت، تنها در پرتو آن اهداف ارزش و اعتبار دارند. بنابراین، بازشناسی اهداف دینی و سیاسی یک نهضت، از هر نظر بر شناخت روش‌ها و ابزارها، اولویت و تقدم دارد. از این‌رو، شناخت اهداف و آرمان‌های الهی و سیاسی نهضت عاشورا بر دیگر امور و ابعاد آن تقدم ذاتی و اساسی دارد.

در شناخت اهداف و آرمان‌های الهی و سیاسی نهضت عاشورا، مهم‌ترین منبع، همان سخنان و خطبه‌های امام حسین علیه السلام به‌عنوان بهترین مرجع قابل استفاده است. در اینجا بیشتر بر سخنان ایشان در مقطع زمانی خروج از مدینه تا شهادت او در کربلا تأکید می‌کنیم که حدود شش ماه از زندگی سیدالشهداء را دربرمی‌گیرد. در این زمان اندک، از





امام حسین علیه السلام حدود هفتاد مورد سخنان و خطبه‌ها در شرایط مختلف زمانی و مکانی گزارش شده است که برخی از آنها را می‌توان برای فهم دقیق هدف دینی و سیاسی امام حسین علیه السلام از امتناع از بیعت با یزید و خروج علیه او و در واقع هدف کلی نهضت اصلاحی و سیاسی او استفاده کرد. پیش از توجه به مواردی از این سخنان، باید یادآور شد که محورهای عمده اهداف الهی و سیاسی نهضت عاشورا در سخنان مختلف حضرت بدین قرار است:

۱. اصالت آزادی و رهایی بشر از قید هرگونه ظلم و ستم؛
۲. امر به معروف و نهی از منکر؛
۳. نفی ذلت و خواری و نپذیرفتن هرگونه ذلت؛
۴. آگاهی‌بخشی به بشر و تعالی روحی انسان‌ها؛
۵. احیای آموزه‌های اصیل اسلامی؛
۶. نفی بیعت و همکاری با حکومت ظالم؛
۷. ضرورت دادرسی ستم‌دیدگان؛
۸. تأیید و گسترش ارزش‌های انسانی و الهی، همچون عدالت، ایثار، وفای به عهد و ...؛
۹. اصلاح وضع نابسامان سیاسی امت مسلمان و انحراف‌های دینی؛
۱۰. تشکیل حکومت اسلامی برای برقراری عدالت و آزادی حقیقی.

در اینجا به محتوای سخنانی از امام حسین علیه السلام اشاره می‌کنیم که در آن، علل، اهداف و آرمان‌های دینی و سیاسی ایشان از نهضت اصلاحی و قیام انقلابی عاشورا آشکارتر می‌شود:

یک - مسئولیت دینی و سیاسی مسلمانان در برابر فساد اجتماعی و سیاسی جامعه

در سال ۵۸ هجری، حدود دو سال پیش از مرگ معاویه و آغاز نهضت عاشورا، امام حسین علیه السلام در ایام حج در منی، خطبه بسیار مهمی ایراد می‌فرماید و در آن، ضمن اشاره به فضایل خاندان نبوت و عصمت، بر وظیفه سنگین امر به معروف و نهی از منکر و لزوم واکنش و قیام عالمان جامعه اسلامی آن زمان در برابر فساد و ستمگری‌های معاویه تأکید فراوان می‌کند. در بخش انتهایی این خطبه بسیار مهم، سیدالشهداء به شرایط نامطلوب و ذلت‌بار جامعه اسلامی آن زمان اشاره کرده، علت پدید آمدن این شرایط را دنیاطلبی اصحاب و تابعین پیامبر در آن زمان می‌داند. سپس خفت و ذلتی را که گریبان‌گیر امت

اسلامی آن روزگار شده، به آنها گوشزد می‌کند و کامیابی امثال معاویه را در مسلط شدن بر مقدرات جامعه اسلامی، به دلیل ترس مسلمانان از مردن و دل‌بستگی آنها به دنیا برمی‌شمارد (نک: نجمی، ۱۳۹۳، ص ۳۸۸؛ مجلسی، ۱۴۱۷ق، ج ۹۷، ص ۷۹؛ طبرسی، ۱۳۳۸، ج ۲، ص ۱۷).

دو - امتناع از بیعت با حکومت فاسد

پس از مرگ معاویه در نیمه رجب سال شصت هجری، والی مدینه، ولید بن عتبه به دستور یزید مأمور گرفتن بیعت از امام حسین علیه السلام، عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر شد. امام از بیعت کردن سر باز زد و در پاسخ پرسش ولید درباره علت امتناع از بیعت، فساد دستگاه اموی و شایستگی خاندان اهل بیت را برای رهبری و هدایت جامعه اسلامی برشمرد. در اینجا با نظر به واقعیت تاریخی و به لحاظ اولویت تاریخی می‌توان گفت امتناع از بیعت با یزید، نخستین علت سیاسی خروج امام از مدینه و آغازگر نهضت اصلاحی و سیاسی اوست؛ زیرا این عامل دقیقاً پس از آغاز خلافت یزید و دعوت نماینده او از امام حسین علیه السلام برای بیعت شکل گرفت (خوارزمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۱۸۴؛ سید بن طاوس، ۱۳۲۱، ص ۱۹؛ مجلسی، ۱۴۱۷ق، ج ۴۴، ص ۳۲۵؛ نجمی، ۱۳۹۳، ص ۳۶-۳۷؛ مطهری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۶). نکته مهم دیگر در همین رویداد، تأکید سیدالشهداء بر فساد و عدم مشروعیت دینی و سیاسی امثال معاویه برای حکومت بر مسلمانان است.

سه - امر به معروف و نهی از منکر برای اصلاح امت

در سخنان و وصیت امام حسین علیه السلام به محمد بن حنفیه، نخستین نمونه آشکار از اهداف بیعت بیان شده است. این سخنان زمانی گفته شده که هنوز از دعوت کوفیان خبری نیست، بلکه امام به منظور خودداری از بیعت با یزید و عمال او در مدینه، هنگام خروج از این شهر، در وصیت خود به برادرش، محمد بن حنفیه، این سخنان را بر زبان جاری می‌سازد: «من نه از روی خودخواهی یا برای خوش‌گذرانی و نه برای فساد و ستم‌گری از شهر خود بیرون شدم، بلکه هدف من از این سفر، امر به معروف و نهی از منکر و خواسته‌ام از این حرکت، اصلاح مفاسد امت جدم و احیای سنت و قانون جدم، رسول خدا و راه و رسم پدرم، علی بن ابی‌طالب است» (خوارزمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۲۷۳).

در این سخنان کوتاه، امام حسین علیه السلام در کنار تأکید بر تعهد خود در دوری از هواهای نفسانی، بر مهم‌ترین هدف از نهضت دینی و سیاسی خویش، یعنی امر به معروف و نهی از





منکر و اصلاح مفسد امت رسول خدا اشاره می‌کند. از میان این اهداف، هدف دوم، یعنی اصلاح امت رسول خدا ﷺ و احیای شیوه او و امام علی علیه السلام، همان مصداق‌های روشن امر به معروف هستند که پایه اصلی نهضت دینی و سیاسی عاشورا را تشکیل می‌دهند. در اینجا باید تأکید کرد که عامل امر به معروف و نهی از منکر، مهم‌ترین هدف و عامل شکل‌گیری نهضت الهی و سیاسی سیدالشهداء است (مطهری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۴-۱۶). در واقع، وجود این عامل است که موجب جهان‌شمولی، تقدس و پذیرش نسبتاً همگانی این دعوت از سوی آزادگان جهان شده است؛ چراکه اصرار امام حسین علیه السلام بر عنصر امر به معروف و نهی از منکر، کاملاً مطابق آموزه‌های دینی و سیاسی قرآن است.

چهار- دوت به کتاب حسنه، ادت پیامبر و سعادت حقیقی

امام حسین علیه السلام پس از ورود به مکه، از هر امکانی برای آگاه‌سازی دینی و سیاسی ملت مسلمان از اهداف قیام خود استفاده می‌کند. ایشان در نامه‌ای به مردم و بزرگان بصره، در کنار تأکید بر جایگاه خویش به‌عنوان شایسته‌ترین فرد برای حکومت بر مردم، آنها را به عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر برای رسیدن به سعادت حقیقی فرامی‌خواند (نجمی، ۱۳۹۳، ص ۷۳). در واقع هدف سیدالشهداء از دعوت مردم بصره برای یاری به امام بود، این هدف اولیه، مقدماتی و بالعرض در واقع در راستای هدف اصیل و راستین، یعنی احیای کتاب خدا و سنت فراموش‌شده پیامبر و بازگشت به آن است. پس در اینجا نیز امر به معروف و نهی از منکر، هدف محوری و اصیل دینی و سیاسی نهضت عاشورایی امام حسین علیه السلام به شمار می‌آید.

پنج - تشکیل حکومت عدل

این یک حقیقت تاریخی است که پس از مرگ معاویه و پرهیز امام حسین علیه السلام از بیعت با یزید و خروج از مدینه و رفتن به مکه، شیعیان و بزرگان کوفه که از ستم معاویه و عمال او به تنگ آمده بودند، این فرصت را برای دعوت از حضرت سیدالشهداء مناسب دیدند و با نوشتن نامه‌های متعدد به آن حضرت، از ایشان برای رفتن به کوفه و قیام علیه یزید و برقراری حکومت اسلامی دعوت کردند.

وقتی حدود هیجده هزار نامه به حضرت رسید، طبیعی است ایشان در مقام امام، عالم و رهبر دینی و سیاسی جامعه اسلامی، درباره صحت نامه‌های رسیده و پایبندی دعوت‌کنندگان در دعوتشان واکنش نشان دهد تا اگر آنها در دعوتشان صادق بودند، در

کمک به ایشان بکوشد؛ چراکه امام حسینی که هدفش برقراری عدالت، آزادی و احیای سنت پیامبر و دستورات کتاب خدا بود، در اینجا آرمان‌هایش با اهداف مردم ستم‌دیده کوفه همخوانی داشت (مطهری، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۷۰). از این رو، رسالت دینی امام و تعهد عدالت‌خواهی او ایجاب می‌کرد تا آنجا که امکان داشت، از راه‌های متعارف در کمک به کوفیان و رفع ستم یزیدیان تلاش کند. برای تحقق این امر، امام حسین علیه السلام مسلم بن عقیل را در اوایل ماه ذیحجه سال شصت همراه نامه‌ای برای کوفیان گسیل داشت و خود نیز در هشتم ماه ذیحجه مکه را به قصد کوفه ترک کرد.

اگرچه در بین راه و در منزل ثعلبیه، امام خبر کشته شدن مسلم را دریافت می‌کند، این رخداد دلیل منطقی کافی برای برگشت امام به مکه یا رفتن به مکان دیگری نیست؛ زیرا هنوز هم امکان پیش بردن اهداف موردنظر، یعنی غلبه بر کارگزاران اموی در کوفه وجود دارد و شیعیان وفاداری هستند که در راه اهداف دینی و سیاسی متعالی قیام امام جانبازی کنند. ضمن اینکه شهرهایی چون مکه یا مدینه نیز مانند هر جای دیگر برای ایشان امن نبود. در نتیجه، امام حرکت خود را به سوی کوفه ادامه داد تا اینکه در مسیر راه در منزل شراف با سپاه هزار نفری حر بن یزید ریاحی مواجه و راه امام از سوی سپاهیان او سد شد. در سخنانی که بین امام با حر و سپاهیان او طرح می‌گردد، حضرت آشکارا بر پاسخ‌گویی به دعوت کوفیان برای تشکیل حکومت در کوفه و به‌دست‌گیری رهبری سیاسی و دینی آنها تأکید می‌کند (ابن اثیر، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۸۰؛ شیخ مفید، ۱۳۸۸، ص ۲۲۴-۲۲۵).

ماهیت روش و سخنان حضرت در این باره گویای این حقیقت است که دعوت مسلمانان از امام حسین علیه السلام و رهبر دینی و سیاسی برای نجاتشان از ظلم طاغوت‌ها، برای امام مسئولیت‌ساز است. در نتیجه، تا این مرحله اجابت دعوت کوفیان و رفتن به آن شهر برای کمک به آنها و پذیرش رهبری دینی و سیاسی ایشان، نه تنها وظیفه دینی حضرت بود، بلکه هدف دینی، سیاسی و مقدماتی بود که می‌توانست در تحقق اهداف اصیل نهضت، همچون امر به معروف و نهی از منکر و احیای ارزش‌های اسلامی نقش مؤثری داشته باشد، ولی برخلاف برداشت برخی از اندیشمندان، هدف اصلی نبود (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۶۲، ص ۹۴-۹۸). ضمن اینکه اگر امام حسین علیه السلام به درخواست کوفیان پاسخ منفی می‌داد، چطور می‌توانست ادعای عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی و احیای ارزش‌های متعالی اسلامی و انسانی کند و در محضر وجدان تاریخ و نسل‌های بعد از حقانیت خود دفاع نماید. اما مواجهه با سپاه حر و ناتوانی افراد آن در پاسخ دادن به ادعای امام - که





احتمالاً خود آنها نیز از نویسندگان نامه‌ها به ایشان بودند - و تأکید حر بر اینکه مأمور است حضرت را تحت الحفظ به کوفه به خدمت عبیدالله بن زیاد برای بیعت ببرد و امتناع امام از بیعت با عبیدالله و یزید، در نهایت به حرکت هر دو قافله امام و سپاه حر به سمت سرزمین نینوا انجامید. از این مرحله به بعد، هدف تشکیل حکومت در کوفه به‌طور کلی منتفی است و کنار گذاشته می‌شود، بلکه مهم‌ترین هدف دینی و سیاسی، همان امتناع از بیعت با یزید و دوری از هرگونه ذلت و اصرار بر آزادی و امر به معروف است که ممکن است تحقق این اهداف به شهادت امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش و اسارت اهل بیت او بینجامد.

شش - نفی ظلم و واکنش سیاسی در برابر حکام طغیانگر

امام در مراحل بعدی حرکت اصلاحی، از هر فرصتی برای افشای ماهیت سلطنت ضددینی امویان و گوشزد کردن وظیفه دینداران و نتیجه غفلت‌کنندگان استفاده می‌کند که بیانگر ماهیت هدف نهضت بیدارگرانه سیاسی اوست. ایشان در منزل بیضه، در سخنرانی در برابر سپاهیان حر، بر ضرورت واکنش تعهدوار انسان‌های آزادی‌خواه در برابر حاکمان زورگو و حرام‌خور تأکید می‌کند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۸۰؛ خوارزمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۲۹).

هفت - ذلت‌ناپذیری

پس از برخورد قافله امام حسین علیه السلام با سپاه حر، ایشان با خواست حر درباره بیعت ذلت‌بار با یزید روبه‌رو شد. به همین دلیل از این مقطع به بعد، سیدالشهداء در سخنان خود بر هدف اصلی، یعنی دوری از ذلت و پذیرش مرگ با عزت تأکید فراوان دارد. این تأکید هنگام ورود قافله امام حسین علیه السلام به سرزمین کربلا شدت بیشتری به خود می‌گیرد؛ گویا آزادگان برای احیای نهضت اصلاحی خود باید خون رنگین خویش را با مرگ شرافتمندانه هدیه کنند (نک: خوارزمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۳۷؛ سید بن طاوس، ۱۳۲۱، ص ۶۹). تأکید بر زندگی شرافتمندانه، در مقاطع گوناگون در سخنان امام اهمیت خاصی دارد. براین‌اساس، حضرت در سخنرانی‌هایش در روز عاشورا در برابر لشکر عمر سعد، بر این مسئله تأکید فراوان دارد. در همین زمینه است که امام در آخرین لحظات زندگی با سخنان کوبنده بیان می‌کند: «مرگ بهتر از پذیرفتن ننگ است و پذیرفتن ننگ بهتر از قبول آتش» (خوارزمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۷-۸ و ۳۴۶؛ حرانی، ۱۳۹۴، ص ۱۷۱).

هشت - آزادی محور زندگی انسان

اصل آزادی، آخرین سخن سیدالشهداء پیش از شهادت است. ایشان با مشاهده خوک‌صفتانی که قصد غارت حرم و خیمه‌های اهل بیت را داشتند، بر آزادی که مهم‌ترین ویژگی آدمی است تأکید کردند. این اصل، از مهم‌ترین هدف‌های نه‌تنها قیام اصلاحی و سیاسی سیدالشهداء، بلکه از آرمان‌های همه مصلحان بزرگ عالم در همه زمان‌ها و مکان‌هاست.

ب) تحلیل عقلانیت دینی و سیاسی ما در قبال اهداف نهضت عاشورا

پیش‌تر مهم‌ترین اهداف نهضت عاشورا را برشمردیم. البته باید توجه داشت همه این اهداف اهمیت یکسانی ندارند، بلکه دارای تقدم و تأخرند و نوعی رابطه تشکیکی و سلسله‌مراتبی بین آنها وجود دارد. براین اساس، می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را از میان همه این هدف‌ها، مهم‌ترین هدف در نظر گرفت که اهداف دیگر، یا در طول آن هستند یا از طریق آن معنای خود را به دست می‌آورند. شهید مطهری مبتنی بر نقش محوری عامل امر به معروف، معتقد است کشته شدن امام حسین علیه السلام در راه این عامل بود و او آن را اساسی‌ترین اصل دینی و سیاسی می‌داند که ضامن بقای اجتماع اسلامی است که نبود آن یا عمل نکردن به آن موجب فروپاشی جوامع بشری می‌شود (نک: مطهری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۷۶؛ ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۸۵). بیشتر این اهداف اصیل که پس از امام حسین علیه السلام نیز از سوی امامان معصوم و علمای آگاه تبلیغ شده‌اند، امروزه این رسالت عقلانی را به ما یادآور می‌شوند که فهم ماهیت، اهمیت و ارزش این آرمان‌های دینی و سیاسی، فراتر از نگرش‌های عاطفی، احساسی و هیجانی به نهضت عاشوراست، بلکه لازم است همواره با نگرش عقلانی چنین اهدافی را بازخوانی کنیم تا زندگی خود را در برابر ستم‌های حکومت‌های ستمگر با این اهداف مدیریت نماییم.

در واقع نگرش عقلانی به عاشورا و اهداف دینی و سیاسی سترگ آن، به ما می‌آموزد که امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش به دلیل نداشتن یار، تنها ماندن یا بی‌پناه شدن کشته نشدند، بلکه آنها به این دلیل کشته شدند که بر چنین اهداف متعالی و ارزش‌مند دینی و سیاسی اصرار داشتند. پس رسالت عقلانی ما در یادآوری و تکرار این اهداف، به‌ویژه با رجوع به سخنان خود امام حسین علیه السلام، الگو قرار دادن آنها در همه ابعاد زندگی مان است. نگرش عقلانی به چنین اهداف مقدس، جهان‌شمول، کلی، ثابت و مطابق فطرت بشر، به ما می‌آموزد اگرچه در واقعه عاشورا، امام حسین علیه السلام، یاران باوفای





او و فرزند شش ماهه‌اش به طرز وحشیانه‌ای از سوی انسان‌های خون‌خوار به شهادت رسیدند و صحنه سیاه عاشورا ترسیم گردید و قرن‌هاست این جنایت وحشیانه عواطف و احساسات پاک انسان‌های بسیاری را آزرده است، مهم‌تر از صحنه سیاه عاشورا، اهداف مقدس و متعالی دینی و سیاسی این نهضت است که صحنه نورانی آن را ترسیم می‌کند و افق زندگی انسان‌های آزادی‌خواه را تا آستانه قیامت منور می‌سازد.

شهید مطهری با نظر به نهضت عاشورا، تقدس آن را از این نظر می‌داند که اهداف دینی و سیاسی آن به هیچ جغرافیای خاصی محدود نیست، بلکه فقط به حق و حقیقت معطوف است و نهضتی است که فریاد عدالت‌خواهی و مبارزه با ستم را در محیط بسیار تاریک سومی دهد. همچنین چنین نهضتی عامل رشد، بینش و شخصیت‌یابی انسان‌های آزاده و عدالت‌طلب می‌گردد؛ به طوری که هر روز شهامت و جسارت آنان برای احیای آزادی و عدالت آشکارتر می‌شود. به گفته او: «شخصیت دادن به یک ملت به این است که به آنها عشق و ایثار داده شود و اگر عشق‌ها و ایثارهایی دارند که رویش را غبار گرفته است، آن گرد و غبار را زدوده و دومرتبه آن را زنده کرد» (مطهری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۱۳۹-۱۴۲؛ ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۴۱-۴۴، ۵۰ و ۱۷۱). این دقیقاً حقیقتی است که در حماسه و قیام حسینی رخ می‌دهد؛ یعنی مردم عراق و کوفه‌ای که در دوران معاویه در ننگ، سستی و ترس از مرگ می‌زیستند و به همین دلیل مورد سرزنش امام حسین علیه السلام قرار می‌گیرند، پس از شهادت اباعبدالله و یاران باوفایش، تقدس این فداکاری، غیرت دینی آنان را برمی‌انگیزد؛ به طوری که شاهد نهضت‌های متعدد توأبین، زید و مختار هستیم که از شهامت، آزادی و عدالت‌خواهی نهضت عاشورا الهام گرفته‌اند.

پس لازمه عقلانیت دینی و سیاسی ما، نه در اصرار بر گریستن بر کشته شدن امام حسین علیه السلام و یارانش، بلکه تأمل، تفکر و تکرار آرمان‌ها و اهداف ایشان از برپایی این نهضت است؛ زیرا صرف تکرار سوگواری‌ها در شهادت ناگوار و مظلومانه امام و یارانش و غفلت از اهداف مقدسی که او برای آنها شهید شده است، همان خطای غلبه احساسات ما بر عقلانیتیمان است؛ درحالی که از لوازم نگرش عقلانی به آرمان‌های دینی و سیاسی عاشورا، دوری از افراط در عاطفه‌گرایی و تأکید عاقلانه بر محوریت اهداف امام حسین علیه السلام و چگونگی به‌کارگیری آنها در زمان خودمان است. البته این تأکید بر عقلانیت به معنای کنار گذاشتن جنبه‌های عاطفی نهضت عاشورا نیست؛ زیرا آنها نیز مهم بودند و در بسط تاریخی این نهضت نقش داشتند، ولی نقش محوری اهداف دینی و سیاسی

عاشورا، ضرورت محوریت این نقش را بیشتر یادآور می‌شود.

۵. روش‌های نهضت عاشورا و عقلانیت دینی و سیاسی ما

گفتیم که در نهضت‌های دینی، روش‌ها به‌طور کلی در خدمت تحقق، حفظ و بسط اهداف و آرمان‌های آن نهضت‌ها به‌کار می‌روند. این ویژگی را می‌توان «روش معطوف به هدف» نامید؛ یعنی ماهیت اهداف در مراحل گوناگون یک نهضت دینی و سیاسی، روش شایسته و عقلانی را تعیین می‌کند. اگر نهضتی بتواند به چنین توفیقی در استفاده از روش‌ها دست یابد، دارای عقلانیت عملی لازم است؛ زیرا توانسته روش‌های مناسب را برای تحقق اهداف خود به‌کار گیرد. چنین ویژگی‌ای در مقطع زمانی چندماهه قیام امام حسین علیه السلام دیده می‌شود. برای نمونه، اقدامات سیاسی حضرت همچون خروج اجباری و آشکار امام از مدینه، سفر از مسیر شناخته‌شده به مکه، دیدار با شخصیت‌های شناخته‌شده، گفت‌وگوهای متعدد با مردم در مکه، توقف در منزل‌ها و سخن گفتن با مسافران راه، نوشتن نامه‌هایی به سران برخی شهرها، ایراد خطبه‌های روشنگرانه در برابر سپاهیان حر و لشکریان عمر بن سعد، سرزنش لشکریان عمر بن سعد که به امام دعوت‌نامه نوشته بودند و موارد متعدد دیگر، گویای استفاده مؤثر و مناسب امام از همه روش‌های سیاسی موجود در راه تحقق اهداف نهضت عاشورا هستند.

در واقع، پس از شهادت امام حسین علیه السلام و یاران باوفایش، به گواهی تاریخ، امامان معصوم در اوج اختناق اموی و عباسی، بهترین روش سیاسی را یادآوری واقعه عاشورا می‌دیدند؛ زیرا امویان با به‌کارگیری تمام توان کوشیدند این واقعه از ذهن مردم زدوده شود. در عصر اموی، در فضای مسموم آکنده از تبلیغات، اهل بیت پیامبر به روشن کردن افکار مردم پرداختند و تبلیغات و فریب‌کاری آنها را به شیوه‌های سیاسی گوناگون خنثی ساختند. یکی از آن روش‌ها، دستور برگزاری مجالس ذکر مصیبت ابا عبدالله و مرثیه‌خوانی و ذکر اشعار و بیان وقایع روز عاشورا و معرفی کردن این روز به‌عنوان روز عزا و مصیبت و فضیلت‌گریه کردن و گریاندن بود (ایازی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۵). بنابراین، روش سیاسی و عقلانی معصومان، بازخوانی و یادآوری واقعه کربلا بود که در دوره‌های بعدی به دست علمای آگاه شیعه ادامه یافت.

اکنون پرسش این است که: در عصر حاضر، لازمه عقلانیت دینی و سیاسی ما در استفاده مناسب از روش‌های پاسداشت عاشورا چیست؟ در پاسخ ابتدا باید به ویژگی‌های کلی روش‌ها - که پیش‌تر ذکر شد - توجه کرد. گفتیم که روش‌های نهضت‌های دینی و





سیاسی مانند عاشورا، دارای ویژگی‌هایی چون جزئی بودن، موقتی بودن، عدم تقدس، محدودیت زمانی و مکانی، همگانی نبودن و تغییرپذیری هستند که همین ویژگی‌ها بیانگر نقش متغیر و واسطه‌ای روش‌ها در شرایط گوناگون زمانی و مکانی است. حال با نظر به روش‌های گوناگونی که پس از شهادت امام حسین علیه السلام تاکنون رواج داشته‌اند و سیر تکاملی خود را گذرانده‌اند، می‌توان به نقش روش‌های سیاسی، اجتماعی و علمی در شکل‌های متنوع و جدید آنها اشاره کرد. گفتنی است بسط تاریخی روش‌های به‌کاررفته در پاسداشت نهضت عاشورا، نشان می‌دهد در طول چهارده قرن گذشته این روش‌ها تحولات و تغییرات متعددی را پشت سر گذاشته‌اند و حتی برخی از آنها، مانند سینه‌زنی، زنجیرزنی یا قمه‌زنی در سوگواری‌ها، در دو سه قرن اخیر متولد شده‌اند. بنابراین، مقتضیات زمانی و مکانی و نوع نگرش مردم، ماهیت و کارکرد روش‌ها را تعیین می‌کرده است. پس رسالت عقلانی ما ایجاب می‌کند در کنار تأکید بر نسبیت و عدم تقدس روش‌ها، تا زمانی آنها را به‌کار گیریم که در راستای حفظ، بسط و ترویج اهداف دینی و سیاسی نهضت عاشورا نقش مؤثری داشته باشند.

در این زمینه باید توجه داشت که ممکن است برخی از روش‌ها در طول زمان کارکرد خود را از دست بدهند و حتی به‌کارگیری آنها نه‌تنها در جهت حفظ اهداف نهضت عاشورا نباشد، بلکه ضد اهداف عاشورایی ایفای نقش کنند. ضمن اینکه تنوع روش‌ها، نقش و جایگاه عاطفه و احساس را در آنها نیز متنوع‌تر می‌سازد. برای مثال، در سوگواری، مصیبت‌خوانی، مداحی، شبیه‌خوانی و آثار هنری، طبیعتاً تأثیر رویکرد احساسی و عاطفی بیشتر است؛ درحالی‌که در آثار مکتوب پژوهشی جنبه عقلانی بیشتر می‌باشد. حال با توجه به شرایط زمان و مکان باید از همه اینها استفاده مناسب و عقلانی شود (امین، ۱۳۸۸، ص ۸۲). براین اساس، مداحی و سوگواری در رثای امام حسین علیه السلام به‌طور طبیعی در پاسداشت این نهضت نقش مهمی دارد، ولی امروزه در مداحی عمدتاً صحنه سیاه واقعه کربلا تصویر و به‌ویژه بر نحوه شهادت ناگوار و مظلومانه امام حسین علیه السلام و یارانش تأکید می‌شود و متأسفانه گاه این‌گونه القا می‌گردد که شهادت سیدالشهداء، شهادت شخصی مظلوم و بی‌تقصیر بود که در آن شهادت، او نفله شد و ضایع گشت و هدر رفت (مطهری، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۸۳).

مشکل این است که در این رویکرد نقش عنصر احساسی و عاطفی غلبه دارد و ممکن است اصرار بیش از حد بر این عنصر، موجب فراموشی هدف دینی و سیاسی نهضت

عاشورا شود. این آسیبی است که متأسفانه امروزه دامنگیر جوامع مداحی است و آنها به منظور برانگیختن احساسات و عواطف مردم و به اصطلاح ریختن اشک‌هایشان - که احتمالاً گریستن آنها نشانه ارادت مخلصانه‌شان به اباعبدالله الحسین است - می‌کوشند با اصرار افراطی بر صحنه خونین و خشونت‌بار عاشورا و در برخی موارد با دخالت دادن قوه تخیل خود و افزودن جعلیاتی به این صحنه، اشک بیشتری از مردم جاری سازند که در نهایت، به غفلت از آرمان‌ها و اهداف دینی و سیاسی مقدس و متعالی نهضت عاشورا انجامیده، در مقابل موجب قشر مداحان گشته است.

واقع آن است که عزاداری حسینی بر دو پایه اساسی استوار است؛ استوانه بعد عاطفی و استوانه جهت‌گیری عقلانی. البته باید توجه داشت آنچه موجب حیات و دوام نهضت عاشورا و فراموش نشدن آن می‌شود و جنبه حماسه و پیام حسین علیه السلام را تضمین می‌کند، روضه‌خوانی، عزاداری، ذکر مصیبت و بعد عاطفی است و آنچه هویت نهضت را تشکیل می‌دهد و روح و حقیقت قیام حسینی است و در فلسفه قیام اباعبدالله آمده است و اصل و اساس آن است، حفظ دین، عدالت، آزادی، مبارزه با ستم، تنفر از آشتی‌پذیری و هجوم به دشمن است که در مجموع در بعد عقلی و جهت‌گیری عقلانی خلاصه می‌شود (ایازی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۳).

این آسیب و شناخت سطحی برخی از مداحان از ابعاد گوناگون نهضت عاشورا، مشکل بزرگی است که روشن‌اندیشان جامعه باید در درمان آن چاره کنند. به نظر می‌رسد رسالت عقلانی ما، تربیت مداحان آگاه به اهداف نهضت عاشورا و تأکید به مردم برای رجوع به خود واقعه است تا متوجه ابعاد عمیق آن شوند؛ یعنی انتشار آثاری که هم آرمان‌های دینی و سیاسی عاشورا را به خوبی معرفی کنند و هم برای عموم مردم قابل استفاده باشند، می‌تواند در شرایط کنونی از روش‌های عقلانی مناسب شمرده شود. به نظر می‌رسد ساخت فیلم‌های مستند به متون معتبر برای عموم مردم و نوشتن کتاب‌های روان درباره واقعه کربلا از روش‌های مناسب و عقلانی باشد و در مقابل، باید از تأکید افراطی بر مداحی‌های بی‌پایه و احساس‌گرایی نامعقول در فهم واقعه عاشورا پرهیز کرد.

نکته بسیار مهم دیگر در خصوص روش‌های سیاسی پاسداشت نهضت الهی عاشورا، تأکید بر اولویت معرفت و شناخت امام حسین علیه السلام و نهضت او، مقدم بر محبت بر اوست؛ زیرا اگرچه صرف محبت و دوست داشتن سیدالشهداء پسندیده است، اگر این کار در کنار شناخت و معرفت به او و اهداف متعالی نهضتش نباشد، دچار همان مشکل تاریخی





احساس‌گرایی و عاطفه‌گرایی می‌شویم و از شناخت اهداف متعالی آن ناتوان خواهیم ماند. در نتیجه، در پاسداشت نهضت عاشورا به‌جای توجه به اصول و محورهای اصلی این نهضت، به فروع و حواشی آن خواهیم پرداخت که نتیجه نامبارک این غفلت، دوری از پیروی از دستورهای اصیل ناشی از نهضت دینی و سیاسی عاشورا است.

پس رسالت عقلانی ما در پاسداشت نهضت عاشورا، تأکید بر پیوند ذاتی سه عامل شناخت، محبت و پیروی از امام حسین علیه السلام و آموزه‌های نهضت عاشورایی اوست. این تأکید موجب می‌شود ملاک‌های شیعه حسین علیه السلام را نه در مواردی چون عزاداری، گریه کردن، لباس سیاه پوشیدن، سینه زدن، نذر دادن، زنجیر زدن و کارهایی شبیه آن در نظر بگیریم، اگرچه خود این کارها نیز پسندیده هستند، بلکه توجه به پیوند ذاتی سه عنصر شناخت، محبت و پیروی از آموزه‌های عاشورایی امام حسین علیه السلام موجب می‌شود شیعه آن حضرت با ملاک‌های دینی و سیاسی چون آزادگی، عدالت‌خواهی، عامل به معروف بودن، ناهی از منکر بودن، راستگویی، انسانیت‌دوستی، پایبندی به عهد و پیمان و دیگر فضیلت‌های اخلاقی و دینی شناخته شود؛ حتی ممکن است چنین شیعه راستینی برخی یا همه نشانه‌های ظاهری یک عزادار و شیعه امام حسین علیه السلام را نداشته باشد.

متأسفانه این نیز از تهدیدهای مهم متوجه مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام در شرایط کنونی است که در آنها عمدتاً محبت به امام حسین علیه السلام بیشتر از شناخت او و پیروی از آموزه‌هایش تبلیغ می‌شود. این شیوه نادرست به این مسئله انجامیده است که مردم اوصاف ذاتی امامان و در اینجا به‌طور خاص، اوصاف ذاتی امام حسین علیه السلام را با اوصاف عرضی‌شان اشتباه بگیرند. در توضیح این واقعیت تلخ باید گفت طبق آموزه‌های تشیع، امامان مفسران راستین قرآن و بهترین راهنمایان مردم برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی هستند که این مسئله در احادیث متعدد شیعی و به‌ویژه احادیث ثقلین، غدیر و منزلت تأکید شده است. بنابراین، راهنمایی ما به آموزه‌های دینی و سیاسی چون توحید، نبوت، معاد، عدالت، آزادی، راستگویی، امانت‌داری، دوری از ذلت، امر به معروف، نهی از منکر و دیگر آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی شیعه، از مهم‌ترین وظایف و کارکردهای امامان شیعه و از جمله امام حسین علیه السلام است که در اینجا می‌توان این ویژگی‌ها را «اوصاف ذاتی امامان معصوم» نامید. از این‌رو، «اوصاف عرضی ائمه» آن دسته کارکردهای فرعی هستند که به‌واسطه جایگاه و شأنی که نزد خداوند دارند، بدیشان داده شده است که شفاعت گناهکاران در قیامت و برآوردن حاجت‌های شیعیان در این دنیا، نمونه‌هایی از این اوصاف

است. اما متأسفانه غفلت توده مردم از اوصاف ذاتی امامان و توجه افراطی به اوصاف عرضی آنها، سبب شده کارکردهای امامان و به‌ویژه امام حسین علیه السلام دچار نوعی تغییر شود؛ به طوری که امروزه محبت توده کثیری از مردم به امامان معصوم، نه به دلیل آن است که از ایشان می‌خواهند راهنمای آنها در فهم آموزه‌های بنیادی دین و عمل به آنها باشند، بلکه بیشتر مردم از راه توسل به امامان و به‌طور خاص امام حسین علیه السلام خواستار حل مشکلات مادی خود هستند؛ مشکلاتی مانند شفای بیماری، تولد فرزند، پسردار شدن، خرید خانه، بازپرداخت بدهی، نجات از زندان و ازدواج.

گفتنی است نفس توسل به معصومان طبق اعتقاد شیعی ما اشکالی ندارد، ولی اشکال زمانی پدید می‌آید که ما با تمرکز بر خواست‌های دنیوی خود و طلب همه آنها از امامان معصوم، به جای طلب راه سعادت معنوی و زهد و تقوا، در واقع معصومان را به انسان‌هایی بدهکار تبدیل کرده‌ایم که همه تلاششان به‌منظور رساندن درخواست‌های مادی ما به خداست و خود نیز به انسان‌هایی طلبکار تبدیل شده‌ایم که به صرف محبت‌ورزی کاسبکارانه به امامان، از آنها هزاران اجر و دستمزد طلب می‌کنیم. چنین نگرشی به غفلت از رسالت عقلانی ما در پاسداشت نهضت عاشورا می‌انجامد و صدمات جبران‌ناپذیری به اهداف چنین نهضت مقدسی وارد می‌سازد. در واقع بی‌توجهی به ابعاد دینی، سیاسی و عقلانی حماسه عاشورا است که موجب دور افتادن از فلسفه قیام می‌شود و ما را گرفتار عواطف کور و بی‌منطق و کردارهای بی‌محتوا و زیان‌آور می‌سازد و وسیله‌ای برای تهاجم دشمنان علیه تشیع و عقاید راستین آن می‌گردد (همان، ص ۹۱ و ۲۰۰-۲۰۱). بنابراین، رسالت عقلانی ما در طلب راه سعادت و الگو قرار دادن آنها در زندگی دینی و سیاسی شرافتمندانه و آزادگی است، نه استمداد از ایشان در معیشت روزانه و امور دنیوی.

۶. نقش ابزارها در رسالت عقلانی ما

گفتیم که ابزارها، در مقایسه با اهداف و روش‌ها، معمولاً به اشیای مادی و شبه‌مادی گفته می‌شود که برای ایفای نقش مفیدی در تحقق، حفظ و بسط اهداف و آرمان‌های نهضت الهی و سیاسی مانند عاشورا به کار گرفته می‌شوند. طبق این تعریف، در خصوص نهضت عاشورا، مواردی چون ساختن حسینیه‌ها، برپایی تکایا، قربانی کردن، نذر دادن، زنجیر، علم، کتل، طبل و وسایل شبیه آن، ابزارهایی هستند که به شیوه‌های گوناگون و متنوع استفاده می‌شوند. نکته بسیار مهم درباره ابزارها این است که ذوقیات و معیشت مردم، نحوه و ماهیت ابزارها را تعیین می‌کنند و از این‌رو، ابزارها ذاتاً هیچ‌گونه خاصیتی ندارند.





برای نمونه، می‌توان به تکایا و حسینیه‌ها به‌عنوان مکان‌ها و ابزارهایی برای عزاداری و گرامی‌داشت نهضت عاشورا توجه کرد. تاریخ جوامع شیعی گویای آن است که چنین مکان‌هایی حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ سال، یعنی از اواسط دوره صفویه ایجاد شده‌اند و در دوره قاجاریه بسط یافته‌اند. معنای این واقعیت تاریخی آن است که در قرون قبل از دوران صفویه، شیعیان بدون استفاده از تکایا و حسینیه‌ها نیز عزاداری می‌کردند، ولی با گذشت زمان و تغییر مقتضیات زندگی مردم، چنین مکان‌هایی به‌طور خاص برای امر عزاداری و گرامی‌داشت نهضت عاشورا پدید آمدند. همین نقش ابزاری را می‌توان برای اطعام عزاداران، قربانی کردن، نذر دادن و مانند آن نیز در نظر گرفت. نتیجه اینکه، ابزارها، در سطحی نازل‌تر از روش‌ها قرار دارند و هیچ‌گونه تقدس ذاتی، کلیت، ثبات، جهان‌شمولی و ویژگی‌های مهم دیگر را نمی‌توان بدان‌ها نسبت داد؛ زیرا ابزارها تنها نقش وسیله را دارند و تا زمانی موقتاً ارزشمندند که نقش مفیدی را در خدمت روش‌ها ایفا نمایند؛ در غیراین‌صورت، ممکن است نامفید و حتی مضر هم باشند.

پس استفاده از ابزارها تنها باید در راستای بهبود روش‌ها و هردو اینها، یعنی روش‌ها و ابزارها، در راستای تحقق، حفظ و بسط اهداف دینی و سیاسی نهضت عاشورا باشد. اما متأسفانه در میان برخی از شیعیان، ابزارهایی چون حسینیه‌ها، تکایا، قربانی کردن، نذر دادن و مانند آن، به وسیله‌ای برای کسب اعتبار دینی و وجهه اجتماعی تبدیل شده است؛ زیرا نمود خارجی به‌کارگیری ابزارها، مانند ساختن حسینیه‌ها، برپاداشتن تکایا، اطعام عزاداران، قربانی کردن و مانند آن، به مردم چنین القا می‌کند که فردی که به چنین کارهای خیری می‌پردازد، انسانی نیک و از پیروان واقعی امام حسین علیه السلام است؛ درحالی‌که ممکن است چنین فردی در باطن انسان شایسته‌ای نباشد و حتی در روزهای دیگر سال برخی اقدامات ضددینی هم انجام دهد، ولی تنها در ایام محرم با اقدام به برپایی تکیه یا قربانی کردن گوسفند یا اطعام عزاداران به مردم چنین وانمود کند که او از خادمان حسینی است. اینجاست که غفلت از اهداف و پرداختن صرف به روش‌ها و به‌ویژه دلخوش شدن به ابزارهای مورد استفاده در نهضت عاشورا، بازار ریا و دین‌فروشی را رونق می‌بخشد و چنین نهضت‌هایی از محتوا ساقط می‌شوند.

نتیجه

تحلیل عقلانی ماهیت نهضت‌های دینی و سیاسی مانند عاشورا، ما را به ضرورت تفکیک محتوا و کارکرد سه عامل هدف، روش و ابزار در شناسایی این نهضت‌ها رهنمون می‌سازد.

اهداف نهضت‌های دینی مانند عاشورا، ویژگی‌هایی چون کلیت، جهان‌شمولی، ثبات، تقدس، عقلانیت، ریشه دینی داشتن و مطابقت با فطرت بشری دارند که همین امر زمینه تداوم تاریخی و درنوردیدن مرزهای زمان و مکان و تسخیر قلوب انسان‌های آزادی‌خواه را از سرزمین‌های مختلف فراهم می‌سازد؛ درحالی‌که روش‌ها و ابزارهای به‌کارگرفته‌شده در نهضت‌های دینی و سیاسی، ویژگی‌های اهداف را ندارند و مطابق ماهیت اهداف، در شرایط متغیر زمانی و مکانی به‌کار می‌روند و تغییر نقش می‌دهند. پس از منظر تحلیل فلسفی، اهداف دارای ماهیت و نقش ثابت‌اند، ولی روش‌ها و ابزارها به تناسب اهداف تغییر ماهیت و نقش می‌دهند.

با نظر به این واقعیت، برای نهضت عاشورا اهداف دینی و سیاسی مهمی چون امر به معروف، نهی از منکر، اصلاح امت رسول خدا ﷺ، احیای سنت پیامبر و علی علیه السلام، پرهیز از بیعت با ستمگران، حمایت از ستم‌دیدگان، عدالت‌جویی، آزادی‌خواهی و مانند آن را می‌توان در نظر گرفت که این ویژگی‌ها اهداف نهضت‌های دینی را دارا هستند. براین اساس، روش‌های پاسداشت اهداف نهضت عاشورا و ابزارهای به‌کاررفته برای این منظور، تنها زمانی اعتبار و ارزش دارند که بتوانند نقش مفید و مؤثر خود را در حفظ، بسط، تداوم و تحقق اهداف عاشورا به‌خوبی ایفا کنند. بنابراین، در پاسداشت نهضت عاشورا هیچ روش و ابزار مقدس، جهان‌شمول، کلی، ثابت و لایتغیری وجود ندارد، بلکه همه روش‌ها و ابزارها اعتبار و کارکرد نسبی دارند. حتی عزاداری که بیشترین تأکید روی آن صورت گرفته نیز تنها به‌مثابه روشی که تاکنون نقش مفیدی ایفا کرده، اعتبار و ارزش نسبی دارد؛ چه بسا با تغییر ذهنیات و شیوه زندگی آیندگان، شیوه عزاداری اباعبدالله الحسین علیه السلام به‌کلی تغییر کند یا کنار گذاشته شود و شکل‌های جدیدی از روش‌های پاسداشت نهضت عاشورا پدید آیند که نقش بیشتری دارند. نتیجه اینکه، تعصب درباره شیوه‌ها و ابزارهای پاسداشت نهضت عاشورا، به‌لحاظ عقلانی قابل دفاع نیست و چون تنها اهداف دینی و سیاسی اصالت دارند، روش‌ها و ابزارها اعتباری‌اند و ماهیتشان مطابق نیاز ما تعریف و تعیین می‌شوند.

نکته مهم دیگر که از تفکیک اهداف، روش‌ها و ابزارها می‌توان نتیجه گرفت، تفکیک اوصاف ذاتی و اوصاف عرضی امامان معصوم بود. در نهضت عاشورا، اوصاف ذاتی مربوط به اهداف این نهضت‌اند؛ یعنی اصل هدایتگری امام حسین علیه السلام دقیقاً در ارتباط با اهداف دینی و سیاسی او از برپایی قیام عاشورا است؛ درحالی‌که اوصاف عرضی حضرت، مانند شفا



دادن، ربطی به اهداف اصل امامت و نهضت احیاگرانه ایشان ندارد، بلکه از اوصاف عرضی و الطاف الهی است که امام در حق پیروان خود دارد. بنابراین، رسالت عقلانی ما درباره امامان به طور کلی و سیدالشهداء به طور خاص، تمرکز بر هدف آنها از امامت و هدف دینی و سیاسی امام حسین علیه السلام از نهضت عاشورا است، نه چسبیدن به او و یارانش برای برآوردن حاجات. در نهایت اینکه، محبت به امام حسین علیه السلام و تلاش برای شناخت او، به منظور پیروی از دستورات سعادت بخش اوست. پس این سه مورد، یعنی محبت، شناخت و پیروی نیز به مثابه سه روش طولی هستند که در راستای هدف واقعی، یعنی سعادت حقیقی ما می‌توانند دارای نقش و کارکرد بسیار مهم خود باشند. در این سلوک، زیارت بارگاه ملکوتی امام حسین علیه السلام و دیگر ائمه، تنها به عنوان روشی برای تقرب به روح آموزه‌های حیات بخش آن عزیزان است تا اینکه زمینه تعالی معنوی ما را فراهم سازند، نه به منظور کسب اعتبار دینی و اجتماعی و تفاخر به دیگران.



منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، معزالدین (۱۳۸۷)، *الکامل*، جلد سوم، بیروت، دار صادر.
- امین، علامه سید محسن (۱۳۸۸)، «عزاداری‌های نامشروع»، ترجمه جلال آل احمد، در: *عاشورا، عزاداری، تحریفات*، به‌کوشش مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، قم: صحیفه خرد.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۸)، «نگاهی به عزاداری‌های حسینی»، در: *عاشورا، عزاداری و تحریفات*، به‌کوشش مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، قم: صحیفه خرد.
- حرانی، حسن بن شعبه (۱۳۹۴)، *تحف العقول*، قم: نشر آل علی.
- خوارزمی، احمد (۱۳۶۷)، *مقتل الحسین*، جلد اول، تهران: انوار الهدی.
- رهبری، حسن (۱۳۸۸)، «خرافه‌زدایی از عاشورا»، در: *عاشورا، عزاداری، تحریفات*، به‌کوشش مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم، قم: صحیفه خرد.
- سید بن طاوس، رضی الدین علی بن موسی (۱۳۲۱)، *لهوف*، تهران: اسوه.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۳۸۸)، *الارشاد*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- صادقی، هادی (۱۳۸۶)، *عقلا نیت ایمان*، قم: طه.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۶۲)، *شهید جاوید*، تهران: چاپ پرچم.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی (۱۳۸۱)، *احتجاج*، جلد دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۷ق)، *بحار الانوار*، جلد نود و هفتم، تهران: چاپ اسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۵)، *حماسه حسینی*، جلد اول و سوم، تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۶۶)، *حماسه حسینی*، جلد دوم، تهران: صدرا.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱)، *راهی به رهایی*، تهران: نشر نگاه معاصر.
- نجمی، محمدصادق (۱۳۹۳)، *سخنان امام حسین از مدینه تا کربلا*، قم: بوستان کتاب.
- نوایی، علی اکبر (۱۳۹۰)، «نقش عاشورا در بین ملت‌های جهان»، در: *بازشناسی نهضت عاشورا*، به‌اهتمام محمود اصغری، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

